

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۳۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود  
سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶

## کیفیت سنجی و تحلیل کارآمدی بازگشت عیسی علیه السلام از منظر عهدین و منابع اسلامی

محمد هادی منصوری<sup>۱</sup>  
مبشره نصیری<sup>۲</sup>

### چکیده

در معارف و آموزه‌های مسیحیت و اسلام، حضرت عیسی علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد و رخداد رجعت ایشان در آخرالزمان به عنوان امری حتمی پذیرفته شده است. اما همانگونه که دیدگاه اسلام در کیفیت صعود حضرت با دیدگاه تحریف شده مسیحیت متفاوت است، در چرایی، چگونگی و کارآمدی بازگشت ایشان نیز اختلافات قابل توجهی دیده می‌شود. نوشته پیش رو تلاشی است در کیفیت سنجی بازگشت عیسی علیه السلام و تحلیل گستره و ابعاد نقش آفرینی عیسی علیه السلام در عصر ظهور که با روش توصیفی - تحلیلی به مسئله می‌پردازد و حضور مسیح را در ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی حکومت قائم علیه السلام برمی‌رسد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، بازگشت عیسی علیه السلام حکیمانه و در راستای جهانی سازی دین توحیدی و نصرت منجی حقیقی است. از سویی، این بازگشت به عنوان یکی از شروط قیامت، به تقویت باور ظهور منجی و بینش زایی و بصیرت‌افزایی پیروان می‌انجامد. اقتدای مسیح به حضرت مهدی علیه السلام در

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم.

۲. کارشناس ارشد مدرسی معارف اسلامی (نویسنده مسئول) (nasiri.m63@gmail.com).

نماز طلوعه ظهور، نمونه‌ای است از کنشی برخاسته از ولایت‌پذیری که در ارائه الگو به پیروان مسیح علیه السلام نقش بسزایی دارد. وزارت عیسی علیه السلام، شکستن صلیب، حضور چشم‌گیر ایشان در نابودی دشمنان مهدی علیه السلام و اعتلای کلمه توحید در جهان، ریشه‌کن کردن فقر و... از ابعاد نقش آفرینی حضرت مسیح علیه السلام در عصر ظهور است.

### واژگان کلیدی

رجعت، عیسی علیه السلام، کارآمدی رجعت، عصر ظهور.

### طرح مسئله

موضوع نجات جامعه بشری از ظلم و ستم از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در ادیان مختلف و نحله‌های فکری است. رها شدن از اوضاع نامطبوع و نامطلوب موجود و امید به آینده از دیر زمان، ذهن و ضمیر بسیاری از انسان‌ها را به خود مشغول کرده و البته هر گروه و نحله دینی و غیر دینی با توجه به نگرش‌ها و مبانی خاص خود در این وادی گام نهاده‌اند. در این میان رجعت از موضوعات چالش برانگیز است که در آیات و روایات و کتب مختلف بدان پرداخته شده است. در اندیشه‌های موعودگرایی، چه در باورهای مسلمانان و چه در اعتقادات مسیحیان و چه در معارف دینی یهودیان، نقش حضرت عیسی علیه السلام، پررنگ و قابل توجه است. اصل باور به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام و نقش موثر ایشان در سعادت بخشی بشر، مورد اتفاق آراء ادیان ابراهیمی است، لکن در جایگاه و مقام حقوقی ایشان میان پیروان این ادیان، اختلافات فراوانی دیده می‌شود. از یک منظر، اختلاف در میان اهل کتاب و مسلمانان مطرح است، که اهل کتاب حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان رهبر و منجی جهانی می‌دانند، ولی مسلمانان ایشان را به عنوان معاون و دستیار حضرت مهدی علیه السلام دانسته به طوری که امر پیشبرد نهضت جهانی و تشکیل حکومت جهانی مهدوی با یاری این پیامبر بزرگوار امکان پذیر می‌شود.

از منظری دیگر، اختلاف در میان اهل کتاب مطرح است. یهودیان به عیسی علیه السلام که برای اولین بار از آسمان فرود آمده و بنی اسرائیل را به سعادت می‌رساند، اعتقاد دارند، ولی مسیحیان در انتظار رجعت عیسی به مثابه «داور جهان» که برای دومین بار به میان بشر آمده و بشر را به سعادت رهنمون می‌شود اذعان دارند.

اعتقاد پیروان ادیان ابراهیمی (یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام)، پیرامون آمدن حضرت عیسی در آخرالزمان، دست‌مایه مناسبی برای زمینه‌سازی اتحاد و هم‌بستگی میان باورمندان

به ادیان ابراهیمی است. نزدیک بودن دیدگاه دو دین مسیحیت و اسلام، زمینه بهتری برای رفع موانع وحدت فراهم می‌آورد. با وجود اذعان جرارد آنتونی مسیحی در مقاله مهدی، مسیح، ضد مسیح و خشونت مقدس، مبنی بر همکاری حضرت مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام برای ایجاد حکومت هزارساله و جهاد علیه ضد مسیح و مکافات آخرالزمانی، بارقه‌های وحدت هر چه بیشتر میان ادیان اسلام و مسیح شدت می‌یابد.

بحث از منجی در عهدین، ابتدا به دین یهود برمی‌گردد که در آن منجی با عنوان ماشیح آمده و آن را از نسل حضرت داوود معرفی می‌کند (مزمور ۱۸: ۵۱) در میان ادیان مسیح و اسلام، منجی، جایگاه خاص خود را دارد به طوری که فرهنگ انتظار در این ادیان نسل به نسل منتقل شده است (هاکس، ۱۳۸۳: ۸۰۶). کتب زیادی در باب مهدویت نگاشته شده است، لکن بحث از جایگاه عیسی در آخرالزمان، چرایی بازگشت و کیفیت سنجی آن و همچنین ابعاد کارآمدی ایشان نیازمند کاوشی جامع است. با توجه به تأثیر این‌گونه پژوهش‌ها بر ایجاد وحدت پیروان ادیان الهی و نقش آن در آماده‌سازی زمینه‌های ظهور، بایستگی پرداختن به این مسئله انکارناشدنی است. در زمینه بازگشت عیسی علیه السلام و نقش ایشان در آخرالزمان مقالات و کتبی به زیور چاپ آراسته شده است؛ از جمله "نقش مسیح در دولت امام مهدی علیه السلام، مجید یعقوب‌زاده، پژوهش‌های حدیثی، ش ۱۷"، "جایگاه عیسی در آخرالزمان باوری و منجی باوری مسلمانان، اسدالله آذیر، پژوهش‌های فلسفه کلام، ش ۲۲ و ۲۳"، "عیسی در روایات الکافی در مقایسه با عیسی در مسیحیت، محمدکاظم شاکر، علوم حدیث، ش ۵۱"، و کتاب‌هایی مانند "امام مهدی موجود موعود، علامه جوادی آملی"، "نزول مسیح و ظهور موعود، میرتقی حسینی گرگانی"، "منجی باوری در کیش زردشتی و ادیان ابراهیمی، اسدالله آذیر" و...؛ اما تک بعدی بودن آنها و نیز نپرداختن به ابعاد مختلف مسئله (چرایی، چگونگی و تحلیل کارآمدی) و... نویسندگان این مقاله را واداشت تا پژوهشی نو ارائه نمایند. از این رو مقاله پیش‌رو هم در هدف و هم در نوع پردازش مطالب و نیز توجه به ابعاد مختلف مسئله دارای نوآوری است و پنجره‌ای نو به روی خوانندگان محترم می‌گشاید. ان شاء الله.

### عیسی علیه السلام از منظر قرآن

در قرآن کریم، اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آخرین پیامبر معرفی شده‌اند، اما در عین حال، دیگر پیامبران در قرآن از جایگاه و عظمت ویژه‌ای برخوردارند. از جمله پیامبرانی که در قرآن مورد مدح قرار گرفته و زندگی پر رمز و راز او مطرح

شده، حضرت عیسی علیه السلام است. عیسی یکی از پیامبران اولوالعزم است که نامش در قرآن به صورت «عیسی» ۲۵ بار و به صورت «مسیح» ۱۱ بار به کار رفته است.

قرآن به عنوان کامل‌ترین و دقیق‌ترین منبع وحیانی، به جنبه‌های مختلفی از زندگی عیسی بن مریم علیها السلام پرداخته و بر اساس روش الگودهی که یکی از روش‌های تربیتی قرآن است، ایشان را الگو و نشانه‌ای از نشانه‌های الهی معرفی کرده است. لذا آیات متعددی از قرآن کریم، به تبیین ابعاد گوناگون زندگی حضرت عیسی علیه السلام می‌پردازد و از این رهگذر، شیوه پاک زیستن را با محوریت توحید به جهانیان می‌آموزد.

آفرینش عیسی در قرآن، همچون آفرینش آدم معرفی شده است. (آل عمران: ۵۹). قرآن مادر عیسی را نیز از لحاظ تقوا و قداست، الگویی برای بشریت معرفی کرده و او را از برگزیدگان خوانده است. (آل عمران: ۴۲) حضرت مریم به سبب احسان، صیانت، عفت و دریافت روح غیبی به مقامی رسید که خداوند در مورد ایشان در آیه ۱۲ تحریم فرمود:

﴿وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِنِينَ﴾

مسیح در قرآن ادامه دهنده و استمراربخش رسالت پیامبران پیشین و مکمل جهان بینی و ایدئولوژی آنهاست. صفاتی برای حضرت عیسی علیه السلام در این کتاب الهی مطرح می‌شود که چهره واقعی مسیح را به تصویر می‌کشد. در آیاتی، حضرت عیسی علیه السلام خود را چنین معرفی می‌کند:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا \* وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا \* وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَمَا يَجْعَلُنِي جَبَّارًا شَقِيًّا \* وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾ (مریم: ۳۰-۳۳؛ مائده: ۱۱۰)؛

نعمت‌هایی را که خداوند به عیسی بخشیده، متذکر می‌شود. تایید به وسیله موجود یا فرشته بزرگوار و والامقام به نام روح القدس، تکلم با مردم در گهواره و در کهولت، تعلیم کتاب و حکمت و تورات و انجیل، ساختن مرغ از خاک و دمیدن و زنده شدن آن به اذن خدا، شفای کور مادرزاد و پیسی به اذن خداوند، بیرون آوردن و زنده کردن مردگان به اذن خدا و... از نعمت‌های یاد شده است.

قرآن بیانگر معیارها و مقیاس‌های رهبری و رسالت و اولوالعزمی حضرت عیسی است، ولی اناجیل نتوانسته‌اند چهره واقعی عیسی را ترسیم کنند و معیار درستی به دست نمی‌دهند. انجیل‌های موجود قابلیت ندارند تا مضامین عالی وحی که را بر عیسی نازل شده بود نشان دهند. "گفتمان اسلام درباره حضرت عیسی در مقایسه با گفتمان مسیحیت، بیشتر بر واقعیات تاریخی و نیز الهیات عقلانی متکی است که این گفتمان از سوی برخی دانشمندان مسیحی

مانند جان هیک مورد استقبال قرار گرفته است." (شاگر، ۱۳۸۸: ۱۰۵) وجود تاریخی عیسی، تجسد خدا در عیسی، تصلیب، مرگ و رستاخیز از ارکان اناجیل مسیحی هستند که پژوهشگران غربی در همه این موارد تردید ایجاد کرده و آثار مستقلى در خصوص افسانه‌های هر یک پدید آورده‌اند. (همان: ۱۰۷)

در قرآن، عیسی علیه السلام نیز همانند دیگر پیامبران، گفتار و کردارش با آنچه پیش از او آمده و آنچه بعد از او خواهد آمد منطبق است. در عین حال او زمینه را برای ظهور پیامبر خاتم فراهم می‌کند. (بقره: ۸۹؛ صف: ۶) خدا از انبیاء میثاقی مبنی بر وحدت آنان گرفته است. (آل عمران: ۸۱) که علامه طباطبایی منظور از گرفتن میثاق از پیامبران را چنین تبیین می‌نماید:

دین خدا واحد است و آن همان است که از همه انبیا و امت‌های آنان بر آن پیمان گرفته شده که هر پیامبر متقدم به آمدن پیغمبر بعد از خود بشارت دهد و به آنچه او ایمان می‌آورد ایمان آورد و تصدیقش کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۳۳۵)

عیسی علیه السلام یکی از حلقه‌های سلسله رسل و بندگان صالح خداست که این سلسله تا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در قالب رسالت و امامت ادامه می‌یابد. قرآن در معرفی عیسی به گونه‌ای عمل کرده که او را از گذشته و آینده جدا نکرده و در خطی قرار می‌دهد که تا قیامت استمرار دارد. (بقره: ۱۳۶؛ آل عمران: ۸۵؛ انعام: ۸۵؛ نساء: ۱۶۳؛ احزاب: ۷)

بازگشت عیسی علیه السلام در آخرالزمان و منجی بودن ایشان امری حتمی الوقوع است؛ اما آنچه اذهان را به خود مشغول ساخته این است که چرا از میان پیامبران اولوالعزم عیسی علیه السلام در آستانه ظهور مهدی علیه السلام رجعت می‌کند و رجعت ایشان در هندسه نظام مند حکومت مهدوی چه جایگاهی دارد و چه تأثیری در سعادت جامعه بشری و ایجاد مدینه فاضله خواهد داشت؟ در پاسخ به این گونه پرسش‌ها می‌توان به محورهای ذیل اشاره نمود:

#### کیفیت سنجی بازگشت عیسی علیه السلام

همان‌گونه که در بالا گذشت، بازگشت حضرت عیسی علیه السلام از جمله نشانه‌های آخرالزمان است که میان فرق اسلامی و ادیان الهی دیگر مطرح شده است. این ادیان در چگونگی بازگشت مسیح، اختلافات قابل توجهی دارند. تقریباً باور بازگشت منجی در معارف اسلام و مسیحیت، ما بر آن داشت تا بازگشت عیسی را در دو دین یاد شده مورد بررسی قرار دهیم.

#### الف) بازگشت عیسی علیه السلام در عهدین

بازگشت عیسی علیه السلام یکی از نشانه‌های رستاخیز است. رستاخیز در عهدین به طور آشکار اشاره

شده است. در کتاب دانیال فصل رستاخیز و مکافات، زنده شدن دوباره مردگان آمده است. (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۶۹۵) ابن میمون، عالم یهودی، اعتقاد به رستاخیز را در شمار اصول سیزده‌گانه دین یهود بیان کرده است. (برنجکار، ۸۹، ۹۸) آیاتی از کتاب مقدس، (سنهدین، ۹۱، ب، ۹۲ الف، دانیال ۱۲: ۱۳، سفر اعداد تورات ۱۸: ۲۸) نشان از رستاخیز به عنوان یکی از عقاید دین و ایمان یهود دارد. (برنجکار، ۸۹، ۹۹)

موعود در دین یهود با نام ماشیح از پسران داوود شناخته شده است (مزمور ۱۸: ۵۱) در کتاب دانیال آمده: امیر عظیم میکاییلی که برای پسران توست نامش قائم است. او برخواهد خواست (دانیال، ۱: ۱۴) مسیح موعود یهودیان غیر از مسیح موعود مسیحیان است. یهودیان با توجه به پیشگویی‌های منسوب به عهد عتیق، در انتظار آینده‌ای درخشان در آخرالزمان اند که به دست ماشیح انجام می‌شود و از جانب خدای مأمور است تا این دوران را آغاز کند. اما مسیحیان این پیشگویی را درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌دانند و معتقدند بخشی از آرمان مسیحایی در زمان مسیح تحقق یافته و تحقق کامل آن در زمان بازگشت مجدد عیسی از آسمان است. اما یهودیان تا کنون به ظهور مسیح دیگری امید دارند. (برنجکار، ۸۹، ۹۷) بن مایه مسیحا باوری قوم یهود را در سه محور رهایی و نجات محرومین، برگزیدگی بنی اسرائیل و محوریت اورشلیم می‌توان جست و جو کرد که صهیونیسم امروزه بر محور سوم تأکید بیشتری دارد. گرینستون می‌نویسد:

صهیونیست‌های یهودی برخلاف سنت انتظار با تشکیل رژیم اشغالگر کوشیدند تا اندکی از محنت‌ها و حقارت‌های قوم یهود بکاهند... اما نتوانستند از شور آنان برای انتظار مسیحا بکاهند. از دیدگاه اکثر یهودیان تشکیل چنین دولتی نه تنها منافاتی با آرمان مسیحایی ندارد بلکه زمینه‌های پیدایش عصر ظهور مسیحا را آماده‌تر می‌کند. (باغبانی، ۹۶، ۱۱۲)

اندیشه مسیحا باوری بعد از یهود در مسیحیت (با تفاوت در مبنا و اهداف یعنی نجات جامعه بشری بر خلاف عقیده یهود یعنی نجات جامعه یهودی) شکل گرفت.

تجسد خدا در عیسی، تصلیب، مرگ و رستاخیز ایشان پس از سه روز ارکان تشکیل دهنده انجیل مسیحی هستند. در کتاب انجیل برخاستن عیسی از قبر و نیز بازگشت او در آخرالزمان آمده است. (یوحنا: ۳۴ لوقا ۲۴: ۲۲). بنا بر گزارش اناجیل، عیسی در روز جمعه مصلوب و در غروب همان روز جسدش توسط مردی به نام یوسف از رومیان تحویل و در قبری دفن گردید. اما در روز یکشنبه آنها متوجه شدند که قبر عیسی خالی است. در نهایت عیسی بر شاگردانش

ظاهر شده و آنها را بخاطر باور نکردن زنده شدنش سرزنش کرده و بعد از بیان سفارش‌هایی در مورد جهانی‌سازی پیامش به سوی آسمان بالا رفت (مرقس، ۱۶). به باور مسیحیان عیسی علیه السلام در روز سوم پس از مصلوب شدن از مرگ برخاست و به سوی آسمان بالا رفت. (مرقس، ۹/۱۶ و لوقا، ۵۱/۲۴). با اعلان این خبر، انتظار برای برقراری پادشاهی خداوند<sup>۱</sup> نه تنها فروکش نکرد بلکه فزونی گرفت؛ زیرا جنبه‌هایی از پیام عیسی رازگشایی می‌شد. عیسی که در حیات زمینی‌اش رنج کشیده و کشته شده بود به مثابه مسیحایی روحانی به آسمان و نزد خدا رفت (آزیر، ۱۳۹۲، ۳۰۸) و در آخرالزمان از آسمان سوار بر ابر پایین خواهد آمد. (مرقس، ۱: ۹) در رساله‌های پولس که بین سالهای ۵۰ تا ۶۵ پس از میلاد نوشته شده؛ بازگشت قریب الوقوع عیسی در چند رساله دیده می‌شود. (آزیر، ۱۳۹۲: ۳۰۹). اما طبق نظر "هلمان جاست" در مقاله "رستاخیز و بازگشت دوباره" بسیار پیش از آنکه پولس نامه‌هایش را نوشته باشد، هم انتظار آمدن عیسی در شکوه و جلال و هم رستاخیز فرجام شناختی بخشی از باور مسیحی بود. کار پولس صرفاً ربط دادن این انتظارات بود. (آزیر، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

از جمله عبارات مربوط به رجعت حضرت عیسی علیه السلام در اناجیل، بحث از کلمه پسرانسان و آمدن او در پایان جهان است. از هنگامی که خداوند پسرانسان را برگزید، یعنی از پیش از آفرینش، او را همچون سزّی نزد خود نگه داشت تا در وقتی مناسب غرض خود را به واسطه او برآورده سازد. کل مسائل مربوط به او سزّاست. (آزیر، ۱۳۴۸: ۲۷۴) طبق نوشته مسترهاکس آمریکایی در قاموس کتاب مقدس این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن، آمده است که ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی مطابقت دارد و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور کرده و عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را عظمت و جلال خواهد بخشید. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۴۱)

در اناجیل بر خلاف روایات اسلامی بازگشت عیسی همراه با نوعی ترس و وحشت است:

و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل و داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار... و جامه خون‌آلود سرخ در بردارد و نام او را کلمه خدا خوانند... و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنی حکمرانی خواهد نمود... (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ به نقل از حسینی گرگانی، ۱۳۹۰، ۱۷۸)

۱. پادشاهی خداوند اصطلاحی است که بیش از صد بار در اناجیل هم‌دید تکرار شده است. آن یک امر نزدیک (متی، ۴: ۱۷) و ناگهان (متی، ۲۴: ۲۹) است که زمان دقیق آن را کسی جز پدر نمی‌داند (متی، ۲۴: ۳۰).

قرآن گرچه باور تاریخی یهودی - مسیحی مربوط به مصلوب شدن عیسی علیه السلام را رد می‌کند (نساء: ۱۵۷-۱۵۸) اما اعتقاد مسیحیان به عروج عیسی به آسمان را تأیید می‌نماید. (آل عمران: ۵۵) روایت قرآن با روایت انجیل برنابا همخوانی دارد. (انجیل برنابا، فصل ۲۱۵، ص ۳۷۵) اما مسیحیان این انجیل را قبول ندارند. (پوریازاده، ۱۳۷۶، ۱۵۹) انجیل برنابا انجیلی است که در آن بشارات متعدد و صریح بر نبوت حضرت ختمی مرتبت به اسم مبارک محمد صلی الله علیه و آله و خاتمیت آن بزرگوار و اثبات توحید باری تعالی و عبودیت حضرت عیسی علیه السلام و نفی تثلیث و اثبات قیامت کبری آمده است.

### ب) بازگشت عیسی علیه السلام در منابع اسلامی

رجعت در اصطلاح متکلمان شیعی یعنی بازگشت برخی مردگان به دنیا، هنگام ظهور حضرت مهدی، به همان صورتی که در دنیا بوده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۳۶۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۷). آیات و روایات فراوانی در اثبات رجعت به معنای اصطلاحی آن وارد شده است. شیخ حر عاملی در کتاب الایقاظ خود قرآن را اولین منبع و مصدر رجعت معرفی می‌کند. (حرعاملی، ۱۳۶۲ ش: النص، ۲۷) از جمله آیات مربوط به رجعت، آیات (ابراهیم: ۵؛ فصلت: ۱۹؛ کهف: ۱۸-۱۹ و ۲۵؛ بقره: ۲۵۹؛ ص: ۴۳) است. کتب عهدین نیز به بحث رجعت اشاراتی دارند که مربوط به رجعت عیسی علیه السلام است. (ر.ک: مقاله پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات و انجیل و قرآن، رضا برنجکار، فلسفه دین، ش ۸) رجعت در روایات اسلامی جایگاه ویژه داشته و از عقائد حقه شیعیان است، به عنوان مثال رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: روزهای الهی سه تا است، روزی که قائم قیام می‌کند، روز رجعت و روز قیامت. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۳، ۶۳) امام رضا علیه السلام رجعت را حق خوانده و آن را در امت‌های قبل محقق شده می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۳، ۵۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ج ۲، ۲۰۲)

روایاتی بالغ بر ۲۰۰ مورد توسط علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار در باب رجعت گردآوری شده است. کتب فراوانی نیز در این زمینه تألیف شده است نظیر "اثبات رجعت اثر محمدباقر مجلسی، الرجعه اثر عبدالکریم بهبهانی، الشیعه و الرجعه تألیف محمدرضا طبری و...". رجعت برخی انسان‌ها به دنیا پس از مردن مستلزم هیچ‌گونه محذور عقلی نیست، علاوه بر آنکه در مواردی اتفاق هم افتاده است.

قرآن کریم بنابر فهم بسیاری از مفسران، به بازگشت عیسی علیه السلام در مواردی اشاره دارد. به عقیده بسیاری از مفسران آیه‌ی «و او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول



عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید ﴿وَإِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا﴾ (زخرف: ۶۱) اشاره به همین معنا دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۸۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ۹۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۸، ۱۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۲۶۱) حتی در کتب روایی اهل سنت نیز، این آیه دلالت بر نزول عیسی مسیح قبل از قیامت دارد. (احمد ابن حنبل، ج ۵، ۸۶)

آیه ۱۵۷ سوره نساء به صعود روحانی و جسمانی حضرت عیسی علیه السلام اشاره دارد. خداوند در این آیه امر تصلیب را باطل اعلام کرده و آن را بر پیروان مسیح امری مشتبه خوانده است.

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۱۵۷-۱۵۹)؛

و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم» و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علم بدان ندارند جزء آن که از گمان پیروی می کنند و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است. و از اهل کتاب کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان بیاورد و در روز قیامت (عیسی نیز) بر آنان شاهد خواهد بود.

طبق روایتی از حضرت علی علیه السلام ذیل آیه مذکور، عیسی مسیح در ایام رجعت آل محمد به دنیا باز می گردد.

در تصلیب روحانی و جسمانی و یا تصلیب روحانی حضرت عیسی علیه السلام اختلاف نظرانی وجود دارد که مسیحیان معتقد به تصلیب روحانی حضرت عیسی علیه السلام هستند، البته میان صاحب نظران مسیحی نیز در این زمینه اختلافاتی وجود دارد. پولس معتقد است که قیام و صعود عیسی علیه السلام با پیکر روحانی بوده نه با بدن جسمانی و مادی و این برخلاف عقیده دیگر اصحاب کلیساست که صعود عیسی علیه السلام را با پیکر جسمانی می دانستند. (پوریازاده، ۱۳۷۶: ۱۶۴) لیکن طبق نظر برخی مفسران شیعه تصلیب مسیح به صورت روحانی و جسمانی اتفاق افتاده است.

علامه طباطبایی با دفاع از نظریه عروج حضرت عیسی می نویسد:

معلوم می شود که عیسی را با بدن و روحش بالا برده اند نه این که مانند سایر انسان ها روحش از کالبدش جدا شده باشد. این احتمال با ظاهر آیه و با در نظر گرفتن سیاق

آن می‌سازد. همچنین ضرباتی که در جمله بل رفعه الله الیه واقع شده با صرف بالا بردن روح عیسی بعد از مردنش نمی‌سازد.... پس این خود نوعی تلخیص بوده که خدای عزوجل عیسی را به وسیله آن خلاص کرده... (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۵، ۱۳۹)

از سویی در روایات بحث بازگشت ایشان مطرح شده که با ظهور - که در مورد حضرت مهدی به کاربرده شده - متفاوت است. ظهور نشانگر غیبت و بازگشت نشانگر عروج و رفع الی الله و نزول مجدد است.

رجعت عیسی علیه السلام به طور واضح در روایات فریقین وارد شده است. امام باقر علیه السلام فرموده است: به طور مسلم، عیسی علیه السلام پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی‌ماند جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می‌آورد و او در پشت سر مهدی نماز می‌خواند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۸۵)

روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید:

کیف انتم اذا نزل ابن مریم وامامکم منکم؛

چگونه خواهید بود آن‌گاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۳؛ بخاری، ۱۴۱۰: ج ۵، ۸۵)

مجلسی صحت آن را مورد اتفاق می‌داند. البته اعتقاد به رجعت در نزد مکتب تشیع مورد اجماع و در نزد فرقه سنی مورد اختلاف است. برخی از علماء اهل سنت با انکار رجعت آن را یک عقیده انحرافی نزد شیعیان می‌دانند. ابن منظور رجعت را چنین تعریف می‌کند: رجعت، مذهب گروهی از مسلمانان است که صاحبان بدعت‌ها و هواهای نفسانی‌اند و می‌گویند مردگان به دنیا باز می‌گردند و در این دنیا به همان صورتی که قبل از مرگ می‌زیسته‌اند، زنده می‌شوند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۱۴)

در روایات اسلامی آمدن عیسی مسیح یکی از علائم و نشانه‌های آخرالزمان است به طوری که بازگشت عیسی در آخرالزمان در برخی منابع تحت عنوان «اشراف الساعه» گنجانده شده است یعنی یکی از نشانه‌های فرا رسیدن ساعت یا قیامت، بازگشت عیسی از آسمان با نشانه‌های دیگر است. (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، ۳۰۱) امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه ۲۳۲ نهج البلاغه به قیامت و اشراف آن اشاره دارند. (ابن میثم، ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۵۸) در صحیح مسلم حدیثی از قول حذیفه غفاری از پیامبر نقل شده است که در آن بازگشت عیسی علیه السلام یکی از ده شرط قیامت است. (مسلم، ۱۴۱۶: ج ۲۶، ۶۳)

طبق روایتی از پیامبر اسلام ﷺ، انکار بازگشت عیسی ﷺ منجر به کفر می شود و این نشان از اهمیت موضوع نزول عیسی ﷺ در آخرالزمان و نقش مهم ایشان در حکومت مهدی دارد.

... عن النبي ﷺ: من أنكر خروج المهدي فقد كفر بما أنزل على محمد، ومن أنكر نزول عیسی فقد كفر، و من أنكر خروج الدجال فقد كفر (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ۱۷۶).

در سخنی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

من ذریتی المهدي اذا خرج نزل عیسی. بن مریم لئصرته قدمه وصلی خلفه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۳۴۹).

این روایات با کمی تفاوت در کتب معتبر دیگر وارد شده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۴۸؛ سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۷۰۷) طبق روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ حضرت عیسی ﷺ به عنوان یکی از سه منجی امت نجات یافته است. پیامبر ﷺ فرمودند:

امتی که من در اولش و مهدی در وسطش و عیسی در آخرش باشد هلاک نمی شود. (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۲۳۲) نزول مسیح در این روایت بشارتی بر مومنان است.

این روایت گویای آن است که آمدن حضرت عیسی ﷺ بعد از ظهور امام مهدی ﷺ خواهد بود.

باور به نزول عیسی ﷺ در آخرالزمان به ادعای بسیاری از محدثان مسلمان، باوری غیر اختلافی میان فرقه های مسلمان و مبتنی بر احادیث و روایات متواتر است. جلال الدین سیوطی می نویسد:

اخبار مربوط به آمدن مهدی... این که عیسی با او خروج می کند و... به تواتر رسیده است. (سیوطی، ۱۳۸۵: ج ۴۳)

### تحلیل کارآمدی بازگشت عیسی ﷺ

نقش حضرت عیسی ﷺ در نجات بخشی جامعه بشری نزد ادیان ابراهیمی بسیار پررنگ است. با توجه به مجموع روایات در زمینه بازگشت عیسی ﷺ می توان گفت که اصل رجعت ایشان به نقش بی بدیل آن بزرگوار در استقرار حکومت مهدوی برمی گردد. بنابراین، رسالت عیسی ﷺ جز یاری امام زمان ﷺ نیست. در روایات اسلامی کارآمدی ایشان در حکومت مهدوی در مناصب مختلف قابل اصطیاد است که در چند بخش قابل بررسی است.

## الف) کارآمدی در عرصه اعتقادی

بازگشت عیسی علیه السلام در زوایا و ابعاد مختلفی دارای کارآمدی است. یکی از مهم ترین ابعاد کارآمدی بازگشت حضرت در عصر ظهور، کارآمدی بینشی است که در این جا به اهم آن اشاره می شود:

### ۱. اصلاح و ارتقاء بینش عیسی باوران درباره منجی

مسیحیت به عنوان یک دین آسمانی، پیروان زیادی در جهان دارد. بر اساس آمار، جمعیت مسیحیان، ۳۳ درصد از جمعیت کل جهان است که رشدی روز افزون دارد. از این رو پیروان عیسی علیه السلام در آخرالزمان، درصد قابل توجهی از افراد بشر را به خود اختصاص می دهند. تاویل قسمتی از آیه ۱۵۹ سوره مبارکه نساء که به موضوع مورد بحث اشاره دارد ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ بر طبق نقلی از حضرت علی علیه السلام این چنین است: بلکه عیسی علیه السلام در ایام رجعت آل محمد صلوات الله علیهم به این دنیا باز می گردد و هیچ یک از اهل ملل یهودی و غیر ایشان باقی نمی ماند، جز این که قبل از مرگ عیسی علیه السلام به او ایمان می آورند و عیسی علیه السلام در پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۵۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۵۸)

این آیه می تواند بیانگر آیه قبل خود باشد که قتل عیسی علیه السلام را در نزد مسیحیان امری مشتبه دانسته و صعود ایشان به سوی آسمان را مطرح می کند. پس می توان گفت، "فلسفه صعود عیسی به آسمان و طولانی شدن عمرش آن است که خداوند او را برای ایفای نقشی بزرگ در مرحله حساس تاریخ - ظهور قائم - ذخیره فرمودند، چرا که مسیحیان بزرگترین قدرت جهانی را تشکیل می دهند و این امر می تواند بزرگ ترین مانع برای رسیدن پرتو اسلام به ملت های دنیا باشد." (حسینی گرگانی، ۱۳۹۰: ۲۹۸) این امر در احادیث اهل بیت علیهم السلام به نوعی دیگر وارد شده است.

بنابر حدیثی، حضرت عیسی علیه السلام مسیحیان را به اسلام دعوت می کند:

و من یشک فی القائم المهدی الذی یبدل الأرض غیر الأرض، و به عیسی بن مریم یحتج علی نصاری الروم والصین .... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۲۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷: النص ۲۶۸)

بنابراین، احتجاج برای اثبات حقانیت حکومت مهدوی تقریباً با یک سوم از مردم جهان، راه را برای هدایت جوامع انسانی و دعوت آنها به اسلام هموارتر می سازد. این همان غلبه نهایی اسلام بر سایر ادیان الهی و غیر الهی است.

در یک بررسی، آیات و روایاتی که به غلبه اسلام بر سایر ادیان اشاره دارد چنین آمده: "سه آیه شریفه از قرآن کریم، با تعبیری مشترک از اراده الهی مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان خبر می‌دهند. (توبه: ۳۲-۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸-۹) بنا بر روایات فریقین، تحقق این وعده الهی به دست مبارک امام مهدی علیه السلام و حضرت مسیح خواهد بود و منظور از ادیان همه ادیان الهی و غیر الهی است که با توجه به سیاق آیات به طور ویژه دو دین محرف یهود و مسیحیت منظور است. با جمع‌بندی آیات و روایات در این زمینه احتمال چیره شدن اسلام بر سایر ادیان و منقرض شدن آنها توسط مهدی علیه السلام و عیسی علیه السلام تقویت می‌شود. هرچند برخی وابستگان به این ادیان به گونه‌ای پنهانی و منافقانه زیر سیطره حکومت اسلامی ادامه حیات می‌دهند." (کهنمویی، ۱۳۹۱: ۱۲۷) واضح است مسیح پیروان خویش را به دین رسمی و جامع در زمان قائم دعوت کند، چرا که اسلام کامل‌ترین دین و مسیحیت، قبل از اسلام بوده است.

## ۲. تأیید و تقویت باورداشت مهدی باوران

وجود مدعیان دروغین امامت در هر دورانی به ویژه در عصر ظهور، شناخت امام و منجی حقیقی را برای کسانی که به حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد دارند دشوار ساخته و نیز ممکن است تردیدهایی در باورداشت برخی از مسلمانان ایجاد نماید. اشراط الساعه به عنوان علائم ظهور به مسلمانان برای شناخت امامشان یاری می‌رساند و باورداشت ایشان را تقویت می‌نماید. در این میان بازگشت عیسی علیه السلام که یکی از شرایط مذکور است دارای جایگاه رفیعی است و روایات فریقین با تفاوت‌هایی اندک بدان اشاره نموده‌اند. (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶، ۳۰؛ ابن میثم، ۱۳۷۵ش: ج ۴، ۳۵۸؛ مسلم، ۱۴۱۶ق: ج ۲۶، ۶۳)

تحقق شروط ظهور منجی سبب ثبات قدم مسلمانان و بستر ساز پذیرش حکومت مهدوی است. با بازگشت عیسی علیه السلام و ظهور مهدی علیه السلام دین توحیدی اصیل به جهان عرضه می‌شود. حضرت عیسی علیه السلام در روایات، یاور مهدی علیه السلام خوانده شده است. این یآوری در جهت تحقق بخشیدن به ایجاد جامعه‌ای توحیدی است، تا دین حقیقی در جهان بشریت حکمفرما شود. با ظهور منجی ادیان محرف و ادیان غیر الهی برچیده خواهند شد. برتری اسلام توحیدی، در آیات با صراحت بیان شده است. (توبه: ۳۲-۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸-۹) بنا بر آیات و روایات حضرت عیسی علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی علیه السلام را تصدیق کرده و از این طریق به جهانی‌سازی حکومت اسلامی می‌پردازد.

### ۳. تصدیق پیامبر اکرم ﷺ و حضرت مهدی ﷺ

بر اساس داده‌های روایی عیسی علیه السلام تصدیق کننده اسلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مهدی علیه السلام است. (ابن طاووس، بی تا: ۶۹-۶۸)

صاحب حلیة الابرار از روایت پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر این که عیسی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی علیه السلام، آخرین دعوت کننده به دین اسلام است این احتمال را برداشت می‌کند که عیسی تصدیق کننده امام (مهدی علیه السلام) و یاری کننده و روشنگرامت است در آنچه که امام به آن دعوت می‌کند؛ پس مسیح از مصدقان است. (بحرانی، ج ۶، ۴۸۰)

برخی روایات حاکی از آن است که عیسی به شریعت اسلام حکم می‌کند. در کتاب شرح صحیح مسلم آمده:

أما عیسی... سینزل فی آخر الزمان و یحکم بشریعة نبینا محمد صلی الله علیه و آله ثم یتوفاه الله. (عبدالعزیز، بی تا: ج ۵، ۲۲۳)

روایات زیادی ثابت می‌کند که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌خواند. (مجلسی، ج ۲۵، ۱۳۶؛ ج ۵۳، ۵۱؛ نعمانی، نص ۱۰؛ حر عاملی، نص ۳۰۴، دیلمی، ۱۴۲۷: ۲۷۴)

اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام خود نشانگر تصدیق حضرت مهدی علیه السلام توسط ایشان است. نکته شایان ذکر این که اختلافی مبنایی درباره اقتدای عیسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام وجود دارد که مبتنی بر مقام سنجی بین امام و نبی است و تحلیل آن مجال دیگری می‌طلبد. برخی از بزرگان اهل سنت، قایل به برتری امام نسبت به نبی نیستند که این مسئله ریشه در دیدگاه کلامی شان درباره واژه امام دارد (ر.ک: مقدمه ابن خلدون، فصل ۱۵: ۹۷). در نزد شیعیان مقام امامت بالاتر از مقام نبوت قرار داده شده است. (ر.ک: طباطبایی، ج ۱، ۲۷۳)

برخی امامت را به نبوت و پیامبری تفسیر کرده‌اند. (مفاتیح الغیب، ج ۴، ۳۴-۳۶) در مقابل عده زیادی معتقد بر این هستند که، بین دو مقام امامت و نبوت تفاوت است و بر اساس آیه ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره: ۱۲۴) به برتر بودن مقام امامت از مقام نبوت حکم کرده‌اند؛ از آن جمله: علامه طباطبایی، شیخ طوسی، شیخ طبرسی (التبیین فی التفسیر القرآن، ج ۱، ۳۸۰) و دیگران.

امامت همان مقام رهبری همه جانبه مادی و معنوی، جسمی و روحانی و ظاهری و باطنی است، امام، رئیس حکومت و پیشوای اجتماع و رهبر مذهبی و مربی اخلاق و رهبر باطنی و درونی است که با نیروی حکومت خویش، اصول عدالت را اجرا می‌نماید.

امام انسان والایی است که سرسلسله هدایت گران و نقطه مرکزی برای گروهی از پیامبران و هادیان زمان باشد و همگی زیر نظر او فعالیت و کار و تلاش می‌کنند. این انسان ملکوتی از نظر کمال به پایه‌ای می‌رسد که در میان همه مردم حتی پیامبران معاصر و کلیه هادیان، آن چنان می‌درخشد که بر همه لازم می‌شود که او را به عنوان مقتدا و پیشوا، اسوه و الگو بپذیرند. (سبحانی ۸۳، ۴ / ۳۰۳)

تصدیق امام مهدی توسط حضرت عیسی علیه السلام، به رسالت ایشان در زمینه نجات جامعه بشری برمی‌گردد. در زمان ظهور آن حضرت، مسیح علیه السلام برمی‌گردد و در رکاب آن بزرگوار و پشت سر آن بزرگوار اقامه نماز خواهند نمود. در روایت آمده که حضرت مهدی علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام درخواست می‌کنند که امام جماعت شوند ولی حضرت عیسی می‌گوید "کسی را نرسد که بر ائمه تقدم جوید حق تقدم با شماست." (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: النص ۱۹۱) که در برخی منابع این اقتدا همراه با اشاره صریح به منصب امارت به دلیل احترام به امام زمان علیه السلام است. اگرچه در خواست حضرت مهدی از حضرت عیسی علیه السلام برای پیشوایی در نماز، نشانه احترام حضرت مهدی به ایشان است لیکن چنان‌که در روایت بیان شد، شأنیت پیشوایی در زمان حضور امام معصوم، مختص به ایشان است.

شیخ صدوق در امالی و صاحب بحار الانوار به اسناد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ایشان فرمودند:

یکی از نوادگان من مهدی است و هرگاه خروج و قیام نماید عیسی بن مریم برای نصرت و یاریش فرود آید و فرزند مریم او را جلو انداخته و پشت سرش نماز می‌خواند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۳۴۹)

در روایتی دیگر در الزام الناصب آمده است:

آن‌گاه مهدی به بیت المقدس باز می‌گردد و چند روزی با مردم نماز می‌خواند. چون روز جمعه فرا رسد و نماز برپا گردد، عیسی بن مریم در آن ساعت از آسمان فرود آید. به هنگام نزول دو جامه سرخ برتن دارد، گویا این‌که از سرش قطرات عرق چون روغن می‌چکد... به سوی مهدی می‌آید و با وی مصافحه می‌کند و به ایشان نوید پیروزی و نصرت می‌دهد، آن هنگام مهدی به او می‌فرماید: ای روح الله جلو بایست و با مردم نماز بخوان عیسی گوید: ای فرزند خاتم نماز برای شما برپا گردیده است، آن‌گاه مسیح اذان گوید و پشت سر امام زمان به نماز می‌ایستد. (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۷۱)

در روایات وارد شده که حضرت عیسی دستش را بر شانه قائم می‌گذارند سپس می‌گویند شما

بفرمایید. (گنجی شافعی، ۱۳۹۰: ۴۹۹)

علامه مجلسی می نویسد:

سبب بقای عیسی علیه السلام ایمان آوردن اهل کتاب به او و تصدیق سید انبیاء از سوی ایشان است. و او ادعای مهدی علیه السلام را نزد اهل طغیان، تصدیق خواهد کرد. به این دلیل که پشت سرش به نماز ایستاده، او را یاری کرده و مردم را به دین محمد دعوت می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۰۰)

حکم به شریعت آخرین پیامبر و اقتدا به آخرین امام مسلمین از جانب حضرت عیسی علیه السلام به عنوان پیامبر گسترده ترین دین در آخرالزمان، بیانگر پذیرفتن رهبری امام مهدی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر اسلام از جانب یهودیان و مسیحیان است. به گونه ای این پذیرش مقدمات همراهی و پیروی بدون جنگ و خونریزی را برای پیروان ادیان الهی فراهم خواهد کرد.

#### ۴. جهانی سازی اعتقاد به دین اسلام

هدایت بشر عصر ظهور به سوی توحید و کمال، با توجه به فتنه ها، موانع و مشکلاتی که در آخرالزمان رخ می دهد، کمی دشوار می نماید. دعوت حضرت عیسی علیه السلام به دین توحیدی اسلام با وجود پیروان فراوان، سهولت و سرعت جهانی سازی حکومت مهدوی را افزایش می دهد. آیه ۱۵۹ سوره نساء اشاره به دعوت جهانی حکومت مهدوی توسط عیسی بن مریم دارد.

روایات نیز به آن اذعان دارند. (مجلسی، ج ۵۳، ۵۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۵۸)

در حدیث دیگری در امالی صدوق آمده «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۱۸، مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۳۴۹) زمانی که حکومت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان ناجی بشر جهانی خواهد بود و این ناجی ادامه دهنده راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است پس نصرت مهدی علیه السلام توسط عیسی علیه السلام، معنایی جز یاری در استقرار حکومت جهانی اسلام نخواهد داشت.

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرمود:

چون اصحاب مهدی قیام کنند عیسی بن مریم از آسمان فرود آید امیر قیام کنندگان به عیسی می گویند بیا تا با تو نماز بگزاریم. عیسی می گوید: شما خود از جانب خدا برخی بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف خدا نسبت به این امت است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۵؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۴۳)

روایات با مضمون اقتدای عیسی بن مریم به حضرت مهدی علیه السلام بسیار فراوان و مورد تایید



فریقین است.

صاحب بحار می‌گوید، این حدیث صحیح و نیکو است که بزرگان نقل نموده‌اند و دلالت دارد بر این که مهدی علیه السلام به جز عیسی علیه السلام است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۹) این به معنی تسلیم مسیحیت و یهودیت در برابر اسلام و در برابر قرآن و آل‌البیت علیهم السلام خواهد بود. چیزی که آن را در طول چهارده قرن گذشته کمتر پذیرفته‌اند. و همواره در برابر اسلام با جنگ‌های صلیبی و صهیونیستی و تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا و جنگ روانی و تبلیغاتی و عملیات تخریبی تلاش کرده‌اند تا مانع گسترش و نفوذ آن در جهان بشوند و البته این ظلم بزرگی است که نسبت به بشریت و ارزش‌های الهی و ادیان الهی و پیروان راستین این دو روا داشته‌اند.

### ب) کارآمدی در عرصه سیاسی

در تعالیم الهی، دین و سیاست از یکدیگر جدا نیستند. زمانی که بشر به دین اصیل الهی روی می‌آورد سیاست جامعه بشری نیز رنگ و بوی حقیقی خود را می‌گیرد، در زمان رجعت عیسی علیه السلام یهودی و غیر یهودی به ایشان ایمان می‌آورد. (مجلسی، ج ۵۳، ۵۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱، ۱۵۸) و این نمادی از جامعه واحد است.

#### ۱. منصب وزارت

رهبر حکومت جهانی اسلامی، حضرت مهدی علیه السلام است و عیسی بن مریم علیه السلام، به همراه آن حضرت در راه جهانی شدن ارزش‌های قرآنی، ایشان را یاری می‌نماید. یکی از عوامل تأثیرگذار در پیشرفت انقلاب جهانی مهدوی و برقراری حاکمیت جهانی اسلامی در سراسر جهان، حضور این پیامبر الهی در کنار قائم آل محمد علیه السلام است. این حضور با توجه به منابع روایی شیعه و سنی و برخی منابع کتب مقدس اثبات شد، اما نقش حکومتی حضرت عیسی علیه السلام در عصر ظهور قائم، تعیین‌کننده برتری و خاتمیت دین الهی خواهد بود.

در حکومتی که رهبری آن به‌عهده حضرت مهدی علیه السلام است، کارگزاران و مسئولان حکومت او نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند؛ لذا طبق آنچه در روایات آمده است، ترکیب دولت حضرت مهدی علیه السلام را پیامبران، جانشینان آنان، تقوایپیشگان و صالحان روزگار تشکیل خواهند داد «در روایات اشاره صریح به نصرت حضرت مهدی علیه السلام توسط حضرت عیسی علیه السلام شده است. (ابن بابویه ۱۳۷۶: ۲۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴، ۳۴۹)

برطبق برخی روایات حضرت عیسی علیه السلام با صراحت خود را وزیر حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌نماید. در روایت آمده که حضرت عیسی علیه السلام چنین می‌فرماید:

من وزیر مهدی هستم نه امیر... خلیفه مسلمین به عیسی می‌گوید: ای مسیح! بیا و نماز بخوان (امام جماعت شو) ولی حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: شما نماز را برای اصحابت بخوان؛ زیرا خداوند از تو راضی است و من مبعوث شدم که وزیر و یاور تو باشم نه آنکه امیر و امام باشم. سپس پشت سروی نماز می‌خواند. (ابن طاووس، بی تا: ۶۹-۶۸) آن را شیخ حر عاملی در اثبات الهداه و النصوص خود روایت کرده است. (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۴۵)

همچنین در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام، وزیر حضرت مهدی علیه السلام و پرده دار و جانشین آن حضرت است. (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ۳۰۷)

## ۲. شکستن نمادهای باطل

در روایات آمده که عیسی بعد از ظهورش صلیب را شکسته و خوک را می‌کشد. (ابن طاووس، بی تا: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ۳۰۷؛ ابن حنبل، ج ۱۳، ۲۸۱؛ ابن ماجه، ج ۵، ۵۳۶)

صاحب بحار الانوار شکستن صلیب را ابطال دین مسیحیت و حکم به شریعت اسلام نمودن می‌داند. شکستن صلیب و کشتن خوک گرچه ریشه اعتقادی دارد، اما پایان بخشی به نماد سیاست‌های نادرست صاحبان قدرت در شرق و غرب است

دنیای سیاست، امروزه دنیای شهوت و مادیات و تضاد است و از این طریق سیاست‌مداران بر جهان حکومت می‌کنند. بازی سیاسی که مسیحیت نیز وارد آن شده و همکاری با یهود و کشورهای استعمارگر برای تبعیض نژادی بین انسان‌ها و استعمار جهانی، با ظهور حضرت عیسی به پایان می‌رسد. دنیای سیاست زده کنونی به دلیل دوری از سیاست اصیل، انسان‌ها را به سوی نابودی می‌کشانند. حضور منجی و اجرای سیاست الهی، سبب ایجاد جامعه‌ای الهی و اصیل خواهد شد. حضرت عیسی علیه السلام با هدایت پیروان خود و تعالیم اصیل الهی به آنها در زمینه بشر دوستی و دوری از نژاد پرستی، سیاست دروغین جهان امروزه غرب و شرق را ترمیم خواهد کرد. لذا شکستن صلیب تنها پایان دادن به بینشی نادرست نیست بلکه خط بطلانی است بر سیاست صلیبی و...

## ج) کارآمدی در عرصه نظامی

حضور چشم‌گیر عیسی بن مریم علیه السلام در جریان نابودی دشمنان مهدی علیه السلام یکی دیگر از ابعاد کارآمدی بازگشت حضرت در عصر ظهور است. مسئله مقابله مسیح با مرد آشوب‌گر در متون

مسیحیان نیز وارد شده است. در نظر اینان، یکی از جنبه‌های حکومت کردن مسیح در واقع حکومت کردن او به عنوان جانشین برحق پادشاه است مهم‌ترین بخش‌های ظهور او نیز مکافات مقابله جویانه و رو در رو است. (انتونی، ۱۳۹۰: ۷۹)

جرارد آنتونی در مقاله خود می‌نویسد:

در اسلام شیعی، نقش عیسی فقط به عنوان یک افسر نظامی در حکومت مهدی است و در اسلام سنی او به عنوان جانشین برای مهدی مطرح می‌شود. (انتونی، ۱۳۹۰:

۸۵)

اگرچه در مقاله ایشان نکات مثبت و همگرایی بین ادیان اسلامی و مسیحی دیده می‌شود اما این سخن نسنجیده جرارد آنتونی نشان از ضعف تحقیق وی در این باب دارد؛ چرا که عیسی در روایات شیعی به عنوان جانشین برای مهدی مطرح شده و در منابع اهل سنت نمایی سربسته و بدون تعیین جایگاه روشن از نقش حضرت عیسی علیه السلام در دوران آخرالزمان مطرح می‌شود. دو نمونه از کارکردهای نظامی حضرت عیسی علیه السلام در حکومت مهدوی، قتل با دجال و فرماندهی نظامی است:

#### ۱. فرماندهی سپاه

عیسی علیه السلام به عنوان فرمانده سپاه قائم، هدایت جنگ‌های ایشان را به عهده دارند. بینش و قوه ادراک توأم با زیرکی و هوشیاری عیسی علیه السلام در مقام فرماندهی برای معرفی اصول، معیارها و شاخص‌های جنگ سخت و تحلیل پدیده‌های آن برای تعالی سطح بینشی و کنشی نیروهای نظامی و امنیتی، یاری‌رسان قیام قائم علیه السلام است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

... فعند ذلك يجعل عيسى خلیفة علی قتال الأعور الدجال ثم يخرج أمیرا علی جیش المهدي وإن الدجال قد أهلك الحرث والنسل و صاح علی أغلب أهل الدنيا و يدعو الناس لنفسه بالربوبية فن أطاعه أنعم علیه و من أبى قتله (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۷۸)

... پس از آنکه نماز به پایان رسید، (بقیه الله) عیسی علیه السلام را خلیفه و جانشین خود در جنگ با دجال یک چشم قرار می‌دهد. سپس حضرت عیسی علیه السلام در حالتی که امارت و فرماندهی سپاه مهدی را به عهده دارد و هنگامی که دجال، کشاورزی و محصولات آنان را نابود ساخته و مردم را به هلاکت رسانده است خارج می‌شود.

چنان‌که بعضی از بزرگان می‌اندیشند (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۴۴) کشته شدن دجال به دست حضرت عیسی علیه السلام منافاتی با رهبریت قائم علیه السلام ندارد؛ چرا که فرماندهی و قتل دجال با نصب

مقام از سوی حضرت مهدی علیه السلام صورت می پذیرد.

## ۲. قتال با دجال

مهم ترین جنگ ها در زمان ظهور قائم علیه السلام جنگ با دجال و سفیانی است که در روایات فراوانی آمده است. در میان مسلمانان خروج دجال در آخرالزمان، همانند ظهور قائم و بازگشت عیسی امری متواتر است. (نعمانی، ۱۳۷۸: نص ۱۱) همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام پیوسته در خیر و نیکی بوده، نقطه مقابلش یعنی دجال در شر و گمراهی است. روایات اشاره دارد به این که دجال به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته خواهد شد. در روایات آمده:

... أنه يملك سبع سنين ويملا الأرض عدلا وأنه يخرج مع عيسى بن مريم ويساعده على قتل الدجال بباب لُد بأرض فلسطين، وأنه يؤم هذه الأمة وعيسى - يصلي خلفه. (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۳۲)

در حدیثی دیگر چنین وارد شده:

... عیسی از آسمان نزول می کند به جهت (از بین بردن) دجال، چون دجال عیسی را ببیند آب می شود آن طور که پیه آب می شود و امام مردی است از ما که عیسی علیه السلام به او اقتداء می کند. (غررالأخبار: ۲۷۴، مجلسی، ج ۳۳، ۲۵۷؛ ابن طاووس، نص ۸۵)

نمونه این روایت با کمی اختلاف در صحیح مسلم وارد شده است. (مسلم، ۱۴۲۷: ۱۱۱۰ و ۱۱۲۶)

خروج دجال جنبشی نشات گرفته از یهود و همانند جریان هیپی گری غریب است که ناشی از عیش و نوش و خوشگذرانی می باشد منتها دجال یک چشم بسیار پیشرفته و دارای ابعاد عقیدتی و سیاسی گسترده ای است به گونه ای که دجال کلیه ابزار علم را در تبلیغات و ترفندهای خویش به کار می گیرد... (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۴۴)

## د) کارآمدی در عرصه علمی و فرهنگی

کمال یک ملت با مولفه هایی چون معنویت، علم و فرهنگ،... رشد می یابد در زمان قائم و با وجود فسادهای بسیار برای حکومت عدل الهی نیاز به نگاه جدید به علم و فرهنگ وجود دارد. با توجه به آیات میتوان در یافت دو بعد علم و فرهنگ در حکومت مهدوی مورد توجه است.

## ۱. دانش افزایی

در آخرالزمان مردم به سوی تکامل علمی گام برمی دارند و این از عنایات خداوند نسبت به

بندگان خود در آن زمان است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل‌های آنان را گرد می‌آورد و اخلاق‌شان را کامل می‌گرداند و به وسیله او به رشد و کمال می‌رسند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶)

همان‌گونه که در آخرالزمان مردم دچار حیرت و سرگردانی می‌شوند، پس فزونی دانش در جهت تکامل بشر برای فهم بهتر زندگی سعادت‌مندان، از نیازهای جامعه آخرالزمانی است.

## ۲. کاربست نمادهای اسلامی

در هر جامعه‌ای برای برانگیختن عواطف و احساسات اعضای خود و دعوت آنها به انجام وظایف فردی و اجتماعی، شعائر و مناسکی وجود دارد. این موضوع امروزه به صورت گسترده‌تر در سطح جهان دیده می‌شود. به عنوان مثال، مسیحیان از گذشته تا به امروز از نواختن ناقوس کلیسا برای دعوت پیروان خود و انجام مراسم دعا استفاده می‌کرده‌اند. این امر در اسلام با نوازی اذان انجام می‌شود. اذان، نشانه اقرار بندگی و اطاعت و تربیت انسان است. یکی از برنامه‌هایی که مسیح پس از نزول خویش انجام می‌دهند، اذان گفتن و اقامه نماز پشت سر مهدی علیه السلام است. (بزدی حایری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۰۹) اذان گفتن از برنامه‌های فرهنگی برای جذب مسلمانان به مسجد است. حضرت عیسی علیه السلام نیز برای تأیید قائم و همچنین ایجاد وحدت دینی بین مسلمانان و اهل کتاب از اذان بهره می‌گیرد.

### ه) کارآمدی در عرصه اجتماعی

تحقق عدالت اجتماعی، از مهم‌ترین اهداف ظهور قائم است. در آخرالزمان ظلم همه جا را فرا می‌گیرد. در برخی روایات از پرشدن جهان از ظلم و جور، پیش از ظهور حضرت مهدی و پر شدن از عدل بعد ظهور قائم، سخن به میان آمده است. از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

رسول خدا فرمودند: امامان پس از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می‌خیزد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آنکه از ستم و بی‌عدالتی پر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۳۵۹؛ صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۷۸)

از آنجا که رجعت حضرت عیسی علیه السلام در راستای ظهور مهدی علیه السلام و تحقق اهداف ایشان است، در زمینه ظلم‌ستیزی و اجرای عدالت نیز نقش کلیدی ایشان نمایان است. نزول ایشان،

برای داوری میان همه ادیان توحیدی، به ویژه یهود خواهد بود.

بر طبق روایات، حضرت مسیح منصب داوری و قضاوت را در حکومت مهدوی بر عهده دارند. در حدیث آمده که رسول خدا ﷺ فرمودند:

قسم به آن کسی که جانم در دست اوست به یقین، به همین زودی پسر مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما نازل می شود، صلیب را می شکنند... (مجلسی،

۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۲)

روایات با این مضمون در کتب دیگری نیز آمده (طبری آملی، ۱۳۸۳ق: نص ۲۵۸؛ سیوطی،

۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۳۴)

اندیشه دادگری مسیح در عقاید مسیحیان جایگاه ویژه دارد. سخن از داوری عیسی در اناجیل نیز آمده است. در انجیل متی می خوانیم:

اما چون پسرانسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خویش خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از یکدیگر جدا میکند، به قسمی که میش ها را از بزها جدا می کنند. (انجیل متی، باب ۲۵: ۲۸)

روایات اسلامی نیز به حضور همه اهل کتاب و امت ها در برابر مسیح اشاره دارد.

این عقیده در تورات به صراحت وارد شده است:

امت ها برانگیخته خواهند شوند و به وادی یهوشافاط برآیند، زیرا من در آنجا خواهم نشست تا بر همه امت هایی که در اطرافم هستند داوری نمایم. (تورات باب ۳ بند ۲ و ۳؛ به نقل از حسینی گرگانی، ۱۳۹۰: ۲۹۲)

او در میان هر دین، با کتاب همان دین قضاوت می کند. (اریلی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۷۴)

قضاوت منصب دشواری است و دادگر باید شرایط ویژه را دارا باشد. این شرایط در احکام فقهی مسلمانان وارد شده است. داوری عادلانه و دقیق، سنت حسنه پیامبران است. حضرت مهدی ﷺ دادگستر جهان خوانده می شود. در نتیجه حضرت عیسی ﷺ به عنوان پیامبری عادل و در جایگاه قاضی حکومت مهدوی، عدالت را به نحو احسن در قضاوت اجرا خواهد کرد.

### و کارآمدی در عرصه اقتصادی

در هر جامعه ای، مدیریت اقتصاد، برای پیشبرد اهداف عالی حکومت نقش بسزایی دارد. نظام اقتصادی اسلامی، با همه عمق و اصالت، در هر زمان و مکانی می تواند اجرایی شود. لکن وجود زمینه هایی برای اجرای صحیح قوانین اقتصاد اسلامی ضروری است. حکومت عادل و

اسلامی که به تمام مبانی اعتقادی، اخلاقی و معنوی اقتصاد معتقد باشد، توانایی برپایی علم اقتصاد اسلامی را دارد. عمدتاً مشکلات اقتصادی کشورها، ناشی از فقدان مدیریت صحیح و توزیع ناعادلانه ثروت است. حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر به خوبی نظام اقتصادی اسلام را ترسیم کرده و راهکارهای برون رفت از آن را بیان فرمودند. (نهج البلاغه، نامه ۵۱) دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام که دوران شکوفایی اقتصادی است، وجود پربركت یاورانی همچون حضرت عیسی علیه السلام در این عرصه آثار متعددی دارد.

در اینجا به برخی از اهم کارآمدی‌های بازگشت عیسی علیه السلام در عرصه اقتصادی اشاره می‌شود.

### ۱. ریشه‌کن کردن فقر

بر اساس منابع روایی، فقر، سبب از بین رفتن دین افراد خواهد شد. (صدوق، نص ۲۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۹، ۲۹) به همین سبب در حکومت مهدوی که هدایت مردم به دین اصیل از اهداف عالی است، توجه به اقتصاد و رفاه در اولویت قرار می‌گیرد. در روایتی آمده که عیسی بن مریم نازل می‌شود... جزیه و مالیات را برمی‌دارد و با آمدن عیسی همه از مال بی‌نیاز می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۳۴)

این که بی‌نیاز شدن مردم با آمدن عیسی علیه السلام وعده داده شده، منافاتی با باورداشت شیعیان درباره اسناد این امر به حضرت مهدی علیه السلام ندارد. زیرا حضرت مهدی علیه السلام در رأس حکومت مهدوی است و برنامه‌های اقتصادی حضرت توسط دولت کریمه ایشان محقق می‌گردد و عیسی علیه السلام در این میان نقشی کلیدی دارد و این از روایاتی نظیر روایت مذکور قابل برداشت است.

### ۲. مدیریت اقتصادی

از جمله عرصه‌های مهم مدیریتی مدیریت اقتصادی است. مدیریت اقتصاد، نیاز به فرد شایسته و کارآمد دارد. جمع‌آوری و نگهداری اموال حکومت از کلیدی‌ترین شاخه‌های مدیریت اقتصادی است. حضرت مهدی علیه السلام مسوولیت این امر را به حضرت عیسی علیه السلام واگذار می‌کنند. برداشتن جزیه و برقراری عدالت اقتصادی، از عمده مواردی است که توسط مسیح انجام می‌شود. در روایتی از پیامبر است که در آن عیسی علیه السلام جمع‌کننده اموال مهدی علیه السلام معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

عیسی در هنگام صبح فرود می‌آید... اموال قائم را ضبط و جمع‌آوری می‌کند... (کفایه الموحدين، ج ۳، ۲۸۶؛ به نقل از حسینی گرگانی، ۱۳۹۰: ۲۹۰)

در روایتی دیگر آمده که:

عیسی بن مریم نازل می‌شود،... جزیه و مالیات را برمی‌دارد و... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۳۴)

این‌گونه روایات گرچه مختصر و کوتاه به چنین مسئله‌ای اشاره نموده‌اند اما کاربرد چنین ویژگی درباره حضرت عیسی علیه السلام و تطبیق آن با ظرایف مدیریت اقتصادی در عصر جدید می‌تواند پرده از این واقعیت بردارد که مدیریت اقتصادی هم به افراد شایسته و امین نیاز دارد و هم کسی که از قوه مدیریتی بالایی برخوردار باشد تا ثروت جامعه اسلامی بجا و درست مصرف شود. واگذاری امر ضبط و جمع‌آوری اموال به عیسی علیه السلام در عصر ظهور نشانگر نقش مهم ایشان در مدیریت کلان جامعه مهدوی دارد.

### نتیجه‌گیری

بازگشت عیسی در قرآن و روایات فریقین و همچنین اناجیل، امری حتمی الوقوع است. رجعت ایشان به‌عنوان یکی از نشانه‌های برپایی قیامت نام برده شده است. از آنجا که خداوند حکیم است و کار بی‌هوده از او سر نمی‌زند، بازگشت مسیح نیز هدفمند صورت خواهد گرفت. چگونگی بازگشت مسیح از جمله مسائل مورد اختلاف ادیان است. برطبق آیات و روایات اسلامی، صعود عیسی علیه السلام به سوی پروردگار، به صورت جسمانی و روحانی بوده و بازگشت ایشان نیز همان‌گونه خواهد بود. اگرچه هیچ شخصی به حکمت حقیقی کارهای خداوند، نمی‌تواند پی ببرد، لیکن با جست و جو در آیات و روایات میتوان به چند مورد از چرایی بازگشت عیسی علیه السلام و خصوصاً انتخاب ایشان از میان پیامبران پاسخ داد. هدایت جامعه اهل کتاب به‌عنوان گسترده‌ترین دین در زمان ظهور و توانایی انجام رسالت مهدوی با موانع کمتر و تقویت باور و اثبات ظهور حضرت مهدی علیه السلام به واسطه بازگشت عیسی علیه السلام به‌عنوان یکی از شروط برپایی قیامت برای مسلمانان و نقش بی‌بدیل ایشان در یاری حکومت مهدوی از پاسخ‌هایی است که به سوال مزبور داده شد. بعد از اثبات بازگشت عیسی علیه السلام، باید دید کار آمدی حضرت عیسی علیه السلام در یاری نجات جامعه بشری چگونه انجام خواهد گرفت. طبق روایات وارد شده، حضرت در چند منصب به یاری قائم علیه السلام می‌آیند. اولین و مهمترین آنها یاری حضرت در جهانی سازی اسلام و ایجاد وحدت بین اسلام و مسیحیت است. حضرت عیسی علیه السلام با تصدیق و تایید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی علیه السلام، اهل کتاب و همه جهانیان را به اسلام دعوت می‌نمایند. ایشان در منصب وزارت به حل مشکلات و موانع حکومت مهدوی



کمک میکنند، همان طور که حضرت در روایتی با صراحت، خود را وزیر مهدی علیه السلام معرفی می نماید. ایشان با شکستن نماد صلیب برای باطل کردن مسیحیت تحریف شده و کشتن خوک برای اعلام پایان طغیان گری اهل کتاب، به امور سیاسی می پردازند. موذن شدن ایشان، نشانه تأثیر فرهنگی حضور پرننگ مسیح در زمان ظهور قائم است. حضرت مسیح علیه السلام همچنین به عنوان فرمانده نظامی حضرت مهدی علیه السلام به جنگ با دجال رفته و او را می کشد. نظام دادرسی و مالی حکومت مهدوی نیز تحت نظارت ایشان انجام می شود. در نهایت ثابت می شود حضرت مسیح علیه السلام به عنوان یار و یاور مهدی علیه السلام نقش به سزایی در حکومت جهانی مهدوی ایفا خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ابن بابویه، محمد علی، *امالی*، ۱۳۷۶ ش، تهران، نشر کتابچی، چ ۶.
- \_\_\_\_\_، *عیون اخبار الرضا*، ۱۳۷۸ ق، تهران، نشر جهان، چ ۱.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد بن حنبل*، ۵۱۴۱۶ ق، لبنان، بیروت، موسسه الرساله، چ ۱.
- ابن خلدون، *مقدمه ابن خلدون*، نرم افزار مکتبه الشامله، موسسه نور.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الملاحم والفتن*، بی تا، تهران، نشر اسلامیه، چ ۱.
- \_\_\_\_\_، *التشریف بالمن فی التعریف بالفتن*، ۱۳۱۶ ق، قم، موسسه صاحب الامر، چ ۱.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ۵۱۴۱۴ ق، بیروت، دارالفکر، چ ۳.
- ابن میثم، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، مترجم قربانعلی محمدی مقدم وعلی اصغر نوایی، ۱۳۷۵ ش، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی قدس رضوی، چ ۱.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ترجمه علی بن حسین زوارهای، ۱۳۸۲ ق، تهران، انتشارات اسلامیه، چ ۳.
- الزهیری، ابوالشبال حسن، *شرح صحیح مسلم*، نرم افزار مکتبه الشامله، موسسه نور.
- *انجیل برنابا*، ترجمه قزلباش، حیدرقلی خان، ۱۳۴۵، تهران، چاپخانه حیدری.
- *انجیل نادرشاهی (متی مرقس لوقا یوحنا)*، ترجمه خان استرآبادی میرزا مهدی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸، چ اول.
- آنتونی مک روی، جرارد، *مهدی، مسیح، ضد مسیح، عدالت، و خشونت مقدس*، ترجمه محمد حسین سجادی، ۱۳۹۰، پژوهش های مهدوی، ش ۳، ص ۶۶-۹۱.
- باغبانی، جواد، *بن مایه مسیحا باوری در اپوکریفای عهد عتیق*، مشرق موعود، ۱۳۹۶، س ۱۱، ش ۴۱.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار*، ۱۴۱۱ ق، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ ۱.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، ۵۱۴۱۰ ق، مصر قاهره، جمهوری مصر العربیه، چ ۲.
- برنجکار، رضا، امیری محمد مقداد، *پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن*، ۱۳۸۹، فلسفه دین، سال هفتم، ش ۸، ص ۹۵-۱۳۱.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوارالتنزیل و اسرار التاویل*، ۱۴۱۸ ه ق، لبنان، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربیه، چ ۱.
- پوریا زاده، اعظم، حجتی، محمدباقر، *تصلیب مسیح*، ۱۳۷۶ ش، مجله مدرس علوم انسانی، ش ۵، ص ۱۵۷ تا ۱۶۷.
- حرعاملی، محمد بن الحسن، *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، ۱۴۲۵ ق، نشر علمی، بیروت، چ ۱.
- \_\_\_\_\_، *الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه*، ترجمه احمد جنتی، ۱۳۶۲ ش، تهران، نشر نوید.
- حسینی گرگانی، میر تقی، *نزول مسیح و ظهور موعود*، ۱۳۹۰ ش، قم، نشر بوستان کتاب، چ ۱.
- دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، ۱۴۱۲ ه ق، قم، شریف الرضی، چ ۱.
- \_\_\_\_\_، *غرر الاخبار*، ۱۳۹۷ ق، تهران، نشر صدوق، چ ۱.
- زمخشری، محمود بن عمر، *کشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ۱۴۰۷ ق، لبنان، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سبحانی جعفر، *منشور جاوید*، زمستان ۸۳، قم، موسسه امام جعفر صادق علیه السلام، چ ۱.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *العرف فی اخبار المهدي*، ۱۳۸۵، تهران، مجمع العالمی للتقریب بین مذاهب و السنه.
- \_\_\_\_\_، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ۱۴۰۴ ق، قم، نشر متابخانه ایت الله مرعشی نجفی، چ ۱.
- شاکر، محمد کاظم، *مقاله عیسی در روایات الکافی در مقایسه با عیسی در مسیحیت*، مجله علوم حدیث، بهار ۸۸، شماره ۵۱، ص ۲۰ (۱۰۵ تا ۱۲۴).
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، بیتا، قم، نشر کتاب، چ ۲.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۹۰، موسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، چ ۲.
- طبری، آملی، عماد الدین، *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، ۱۳۸۳ ق، نجف، المکتبه الحیدریه، چ ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۷۲ ه ش، نشر ناصر خسرو، تهران، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، ۱۴۱۱ ق، قم، دارالمعارف الاسلامیه، چ ۱.

- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱۳۶۳، قم، دارالکتاب، چ ۳.
- کهنمویی، علی رضا، غلبه اسلام بر ادیان، ۱۳۹۱، مجله مشرق موعود، ش ۲۳، ص ۱۱۱-۱۳۲.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ۱۳۶۹، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- گنجی شافعی، ابی عبدالله، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب، ۱۳۹۰ ه ق، نجف، مطبعه الحیدریه، چ ۲.
- نیشابوری، امام مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۲۷ ه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۴.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه النعمانی، ۱۳۹۷، تهران، نشر صدوق، چ ۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ه ق، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چ ۲.
- مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات اساطیر، چ ۲.
- مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ ه ق، نشر دارالمفید، قم، چ ۱.
- یزدی حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائبین، ۱۴۲۲ ه ق، بیروت، موسسه الاعلمی، چ ۱.
- هاشمی شهیدی، اسدالله، ظهور مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ۱۳۸۷، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ ۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مشرق

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶